

در ستایش نبوغ و بی‌پروایی

تصور کنید اگر قرار بود سر آرتور کانن دوپیل، نویسنده مجموعه داستان‌های شناخته شده «شرلوک هولمز» در زمان حال زنده شود و شخصیت کارآگاه مرموز داستان‌هایش را دوباره خلق کند، چه اتفاقی می‌افتاد؟



تصور کنید اگر قرار بود سر آرتور کانن دوپیل، نویسنده مجموعه داستان‌های شناخته شده «شرلوک هولمز» در زمان حال زنده شود و شخصیت کارآگاه مرموز داستان‌هایش را دوباره خلق کند، چه اتفاقی می‌افتاد؟

شرلوک هولمز در عصر دیجیتال امروز و با گسترش روزافزون ابزارهای ارتباطی برای حل معمای پرونده‌هایش از چه وسایل و ابزاری باید بهره می‌جست؟ این احتمالاً ایده‌ای است که به ذهن مارک گتیس و استیفن موفا، خالقان اولیه مجموعه تلویزیونی شرلوک هم‌طور و آنها را به ساخت چنین اثر درخشانی ترغیب کرده است. مجموعه‌ای شامل 9 قسمت 90 دقیقه‌ای که سرسخت‌ترین منتقدان را هم به تحسین و تعجب واداشته و طرفداران برای ساخت قسمت‌های بعدی آن لحظه‌شماری می‌کنند.

هرچند پیش از این، اقتباس‌های متعدد و حتی مشهوری از داستان‌های این کارآگاه نخبه صورت گرفته و به صورت فیلم و سریال به نمایش درآمده است. مشهورترین نمونه‌های آن سریال تلویزیونی شرلوک هولمز تولید شده در سال‌های 1984 تا 1994 با بازی جرمی برت و نسخه تازه‌تر سینمایی آن با بازی رابرت داوونی جونور و جود لائو است که دومی نامزد دو جایزه اسکار هم شد. با این حال اما این مجموعه را باید از متفاوت‌ترین و ساختارشکنانه‌ترین انواع آن به شمار آورد. ایده اولیه کار اقتباسی وفادارانه از همان داستان‌های مشهوری است که سرکانن دوپیل، نویسنده سال‌ها قبل به عنوان پانویس در یکی از مجلات پیش پا افتاده شهرش به چاپ می‌رسانده و بعدها با شهرت یافتن این مجموعه داستان‌های معمایی و کارآگاهی منتشرشان کرد. گتیس و موفا هم در ساخت اثر خود همین داستان‌ها را ملاک قرار داده و فقط به آن ظاهری امروزی بخشیده‌اند. شخصیت شرلوک در این مجموعه برخلاف شمالی کلاسیک کارآگاه داستان‌های کانن دوپیل ظاهری به روز دارد و در فضای لندن قرن بیست و یکم همراه با دوست و دستیار همیشگی‌اش جان واتسون زندگی می‌کند. هدفش کشف پرونده‌های مرموز پلیسی و جنایی شهر لندن است و با توجه به اقتضای زمان حال، اینترنت و گوشی تلفن همراه و سرویس‌های پیشرفته ارتباطی ابزار کارش است. بر همین اساس، فیلمنامه‌ای که برای این مجموعه نوشته شده، در عین سادگی قابل تامل آن، از جزئیات و پیچیدگی‌های دقیقی برخوردار است که مخاطب را در طول تماشای کار مدام درگیر خود می‌کند. معماهای تازه طرح می‌کند و مخاطب را در اشتیاق رسیدن به جواب به تماشای قسمت‌های بعدی‌اش می‌نشانند؛ هرچند گاه داستان کمی نمایشی‌تر از حد داستان‌های دوپیل می‌شود و زرق و برق امروزی آن بیشتر به چشم می‌خورد.

نکته دیگری که قطعاً مهم‌ترین تأثیر را در دیده شدن و تحسین این مجموعه دارد، بازی خوب بازیگران آن است. بندیکت کمبریج یا شرلوک امروزی ما - که همین سال گذشته برای بازی در نقش الن تورینگ، نابغه دنیای ریاضی و مخترع رایانه‌های اولیه، نامزد جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد شده بود - در شرلوک هم هنرنمایی خیره‌کننده‌ای دارد و با ظاهر متفاوت و چشمان تیزبینش بخوبی توانسته از پس ایفای نقش این کارآگاه منزوی و حتی گاه اجتماع‌گریز بر آید. طرح این سوال بجاست که اگر بازیگر دیگری به جای کمبریج در قامت این شخصیت قرار می‌گرفت آیا مجموعه می‌توانست به این موفقیت و شهرت کنونی‌اش برسد و از یک سریال صرف انگلیسی فراتر برود یا نه؟! همچنین در کنار او باید از مارتین فریمن، دیگر بازیگر این مجموعه در نقش دکتر جان واتسون هم یاد کرد که برخلاف شیطنت‌های گاه و بیگاه شرلوک، شخصیتی ساده‌تر دارد و با میمیک صورت و طرز نگاه منحصر به فرد و عاقل اندر سفیه‌وارانه‌اش به شرلوک، نقطه تعادل و توازن را در قصه برقرار می‌کند. روان بودن بازی میان این دو بازیگر و رد و بدل کردن دیالوگ‌های گاهی طنز میانشان، شیرینی مضاعفی به مجموعه بخشیده است.

نمی‌شود از شرلوک صحبت کرد و از دشمن همیشگی‌اش یعنی جیمز مورپارتی سخنی به میان نیاورد؛ شخصیتی که این بار توسط اندرو اسکات جوان با ظرافتی دوچندان ایفا شده و هوش و نبوغ ذاتی و تأثیرگذاری‌اش درست به همان اندازه نقش شرلوک است. تقابلی دوباره میان دو عنصر خیر و شر و خوبی و بدی که برخلاف دیگر آثار ساخته شده در سینما، سازندگان آن، این دو شخصیت را در نقطه مقابل هم قرار نداده‌اند، بلکه در دو سوی طیفی قرار دارند که نبوغ را به شرارت پیوند می‌دهد و تنها راه فرار از آن توسل به رستگاری است. قضیه‌ای که حتی در دل دیالوگ‌های مشترک میان این دو گنجانده شده و احتمالاً شرلوک خود اذعان دارد کارآگاه‌بازی‌های هوشمندانه‌اش بدون حضور مورپارتی چیزی کم دارد.

هرچند به نظر خیلی‌ها این شرلوک درخشان‌ترین اقتباسی است که می‌توانسته از مجموعه داستان‌های کانن دوپیل صورت بگیرد.

با این حال خالقان آن، یعنی گتیس و موفا اعلام کرده‌اند این هنوز نیمی از راه است و خیلی از اتفاقات و ظرافت‌هایی که مدنظرشان بوده در مجموعه رخ نداده. اتفاقی که با توجه به زمان احتمالی پخش قسمت جدید آن در سال آینده خیلی‌ها را چشم به راه خود نگه داشته و طرفداران منتظرند ببینند کارآگاه مشهور خیابان بیکر، این بار برایشان چه معمایی در آستین دارد.

